


کاربست دیپلماسی عمومی در عرصه مقاومت اسلامی از منظر امام خامنه‌ای


مهدی مهدوی اطهر / دکترای علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

m.athar347@gmail.com

 orcid.org/0000-0001-6403-4152

h-emamifar@araku.ac.ir

حمید امامی فر / استادیار گروه معارف دانشگاه اراک

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰

چکیده

از منظر امام خامنه‌ای روابط بین‌الملل موجود نبرد نظام سلطه و جهان اسلام و عرصه مقاومت اسلامی است. نظام استعمارگر با بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی، ضمن جابه‌جایی حق و باطل، تصویری مناسب از خود در منظر جهانیان ایجاد نموده و موجب ترغیب، اغوا و یا تضعیف بازیگران بین‌المللی گشته است. دیپلماسی عمومی نوع جدیدی از تبلیغات به معنای گسترش نظام‌مند اطلاعات در جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی و به منظور تغییر رفتار عمومی با رویکرد استعمار فرانو است. مقاومت اسلامی باید از ابزار دیپلماسی عمومی بهره‌گیرد. سؤال اصلی این تحقیق آن است از منظر امام خامنه‌ای کاربرد دیپلماسی عمومی در عرصه مقاومت اسلامی چیست؟ این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی کاربرد دیپلماسی عمومی در عرصه مقاومت اسلامی از منظر رهبر انقلاب را بررسی کرده است. از این منظر کاربرد دیپلماسی عمومی بیدارسازی فطرت انسان‌ها، اتحاد آفرینی بر محور آزادی بشریت و الگوسازی تعلیم انسانی - اسلامی و ایجاد گفت‌وگو بر مبنای هویت انسانی - اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی، دیپلماسی عمومی، افکار عمومی، مقاومت اسلامی، امام خامنه‌ای.

ساختار روابط بین‌الملل موجود از فضای جنگ سرد خارج گشته و به دوقطبی «نظام سلطه» و «سلطه‌ستیز» تغییر شکل داده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸). از مهم‌ترین چالش‌های نظام سلطه در این عرصه، مقاومت جبهه سلطه‌ستیز، انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی، بی‌اعتباری نظام استکبار و سلطه و مشکلات درونی نظام سلطه است. مسبب اصلی آن را محور مقاومت و انقلاب اسلامی ایران می‌پندارند. از این رو با توجه به تغییر نوع استعمار به «فرانو» و تمرکز بر قدرت‌های فکری و فرهنگی، از روش «دیپلماسی عمومی» در جهت مبارزه با مقاومت بهره بسیار می‌گیرند.

در حقیقت می‌توان گفت: «دیپلماسی عمومی» نوع جدیدی از تبلیغات به معنای گسترش نظام‌مند اطلاعات در جهت تأثیرگذاری بر افکار عمومی است. دیپلماسی عمومی از ابزارهای نفوذ غیررسمی در روابط بین‌الملل است. در حقیقت دیپلماسی عمومی نفوذ مؤثری است که از طریق جلب توجه مردم، سایر ملت‌ها را برای اعمال فشار بر دولت‌های خود در جهت تأمین اهداف القا شده زیر فشار قرار می‌دهند.

«دیپلماسی عمومی» از اشکال نوین دیپلماسی و بیانگر نوع خاصی از ارتباط است که فراتر از مناسبت‌های بین دولت‌ها، با مردم و نخبگان جوامع هدف درگیر شده، از این طریق، در افکار عمومی کشور هدف نفوذ می‌کند که نتیجه آن تأثیرگذاری بر تصمیمات دیگر جوامع از طریق پیام‌های کلیدی به یک کشور است و می‌تواند با این روش، چهره کشورهای دشمن و استعماری را به تصویر و پنداری موجه و دوست تبدیل نماید. محور مقاومت نیز باید با توجه به تغییر ابزارها، از سیاست‌های متناسب در عرصه روابط بین‌الملل بهره گیرد.

حال سؤال اصلی این است که در این سیاست‌های جهانی، کاربست دیپلماسی عمومی در عرصه مقاومت اسلامی از منظر امام‌خامنه‌ای چیست؟ به عبارت دیگر از منظر رهبر انقلاب اسلامی و محور مقاومت، دیپلماسی عمومی چه کارکردهایی در جهت افزایش توان و قدرت مقاومت می‌تواند داشته باشد؟

این مقاله براساس موضوع و دامنه اطلاعات لازم، با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای به جمع‌آوری داده پرداخته و با روش «تحلیلی - توصیفی» ابتدا مفاهیم کلیدی و سپس کاربست‌های لازم را تحلیل کرده است.

۱. چارچوب مفهومی

شناخت دقیق مفاهیم و ماهیت آنها به سبب فهم ارتباط آنها با یکدیگر کمک شایانی در درک بهتر کارکرد هریک در حوزه‌های گوناگون دارد. بنابراین ابتدا مفاهیم «دیپلماسی»، «دیپلماسی عمومی» و «مقاومت اسلامی» را بررسی می‌کنیم:

۱-۱. «دیپلماسی»

از منظر زبان‌شناسان «دیپلماسی» از کلمه «دیپلم» در زبان یونانی به معنای «تا کردن» گرفته شده که به معنای نوشته‌تاشده یا طومار ماندی است که صاحب آن از امتیازات خاصی بهره‌مند می‌شد. در گذر زمان این

واژه برای فرستادگان دولت‌ها به کار رفت و مفهوم امروزی دیپلماسی از اواخر قرن هجدهم میلادی به فرستادگان دولت‌ها که حق برقراری ارتباطات با سایر کشورها را داشتند، اطلاق گشت و مجری این کار را «دیپلمات» نامیدند (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲، ص ۳).

«دیپلماسی» به فن اداره سیاست خارجی و یا تنظیم روابط بین‌الملل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی از راه‌های مسالمت‌آمیز تعریف می‌شود که در طول تاریخ و در اثر تحولات مربوط به جهانی‌شدن و گسترش حوزه ارتباطات، از حالت محدود و مخفی خود، امروزه به‌صورت روندی آشکار و علنی درآمده است (قوام، ۱۳۷۲، ص ۱۸۶).

اداره مناسبات دولت‌های برخوردار از حاکمیت از طریق نمایندگان مجاز آنها تعریف دیگری از «دیپلماسی» است که در *دانشنامه روابط بین‌الملل* از این مفهوم ارائه شده است. در این تعریف «دیپلماسی» در بهترین تعبیر با نحوه اجرای سیاست خارجی دولت‌ها در ارتباط است و علاوه بر آنکه یکی از مهم‌ترین ابزارهای اجرای این سیاست است، چهارچوبی اساسی در اختیار دولت‌هاست تا در همه‌گونه فعالیت غیرقهرآمیز بین‌المللی مشارکت کنند (گریفتس، ۱۳۸۸، ص ۵۳۴).

بنابراین اگر دیپلماسی را «هنر و فن اداره سیاست خارجی، تنظیم روابط بین‌المللی و حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز» تعریف کنیم، می‌توانیم آن را «دانش ارتباط میان سیاستمداران و سران کشورهای جهان» نیز بدانیم. در همین زمینه به سیاستمداری که مشغول فعالیت دیپلماسی باشد، «دیپلمات» می‌گویند و حرفه مرتبط با دیپلماسی را «دیپلماتیک» می‌خوانند و مهم‌ترین ابزار یک دیپلماسی اقناع است (طلوعی، ۱۳۸۵، ص ۴۷۱).

برای داشتن یک دیپلماسی موفق، دیپلمات‌ها و سیاست‌گذاران خارجی یک دولت باید بتوانند افزون بر درک صحیح از منافع ملی و سلسله‌مراتب موجود میان این منافع، از شیوه توزیع قدرت در نظام بین‌الملل، مقدمات و محذورات محیطی، شناخت جایگزین‌های مناسب برای حصول به اهداف مشخص‌شده، درک شرایط و مقتضیات محیطی و مانند آن شناخت دقیق و جامعی داشته باشند.

به لحاظ تاریخی وودرو ویلسون (Woodrow Wilson) رئیس‌جمهور ایالات متحده در سال ۱۹۱۸ در نخستین اصل از اصول چهارده‌گانه خود، برای اولین بار اصل «دیپلماسی آشکار / علنی» را مطرح کرد که همین رویه در جامعه بین‌الملل نیز رعایت شد؛ زیرا همه نشست‌های این جامعه افزون بر علنی برگزار شدن، دربرگیرنده نمایندگان همه دولت‌های عضو نیز بود و خود این موضوع نمایانگر نوعی مجلس جهانی در آن زمان به‌شمار می‌رفت. امروزه نشست‌های رسمی و علنی سازمان ملل نیز نمودی از دیپلماسی مجلسی است (بریج، ۲۰۰۲، ص ۲۳-۲۴).

در *دانشنامه بریتانیکا* ذیل واژه «دیپلماسی عمومی» آمده است: «دیپلماسی عمومی» که «دیپلماسی مردم» نیز نامیده می‌شود، به هرگونه تلاش گفته می‌شود که از سوی دولت حمایت شود و به منظور برقراری ارتباط مستقیم با مردم خارجی انجام گیرد. دیپلماسی عمومی شامل همه تلاش‌های رسمی برای متقاعد کردن بخش‌های هدفمند از افکار عمومی سایر کشورها برای حمایت یا تحمل اهداف راهبردی دولت است.

روش‌های دیپلماسی عمومی شامل بیانیه توسط تصمیم‌گیرندگان، پویش (کمپین) هدفمند انجام‌شده توسط سازمان‌های دولتی اختصاص داده‌شده به دیپلماسی عمومی، تلاش برای متقاعد کردن رسانه‌های بین‌المللی، و به تصویر کشیدن سیاست‌های رسمی و مطلوب به مخاطبان خارجی است (دانشنامه بریتانیکا، ۲۰۱۹).

در سال ۱۹۹۶ گروه برنامه‌ریزی ادغام آژانس اطلاع‌رسانی امریکا «دیپلماسی عمومی» را «ترویج منافع ملی آن کشور از مسیر تفهیم، اطلاع‌رسانی و تأثیر بر مخاطبان خارجی» تعریف نمودند (کال و دیگران، ۲۰۰۳، ص ۳۲۷). نیکلاس کال (Nicholas J Cull) تعریفی بهتر و دقیق‌تر ارائه داد و «دیپلماسی عمومی» را پیشبرد و هدایت سیاست خارجی از طریق جذب افکار عمومی خارجی دانست و عناصر اساسی آن را شنیدن دیدگاه مخاطبان، ایجاد طرفداری، دیپلماسی فرهنگی، تبادل اطلاعات و اشخاص و سخن‌پراکنی بین‌المللی معرفی نمود (کال، ۲۰۱۰، ص ۴۹).

یکی از واضح‌ترین تعریف‌ها را *پل شارب* (Paul Sharp) ارائه نمود: «فرایندی که به‌وسیله آن ارتباط مستقیم با مردم در یک کشور برای پیش بردن منافع و گسترش ارزش‌هایی که معرفی می‌شوند، تعقیب می‌گردد» (میلسن و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵۳).

اما *هانس تاج* (Hans Touch) معتقد است: «دیپلماسی عمومی» فرایندی حکومتی در جهت ارتباط با مردم سایر کشورهاست، شامل اقداماتی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی مردم به منظور ایجاد تصویری مثبت از باورها و ایده‌آل‌ها، فرهنگ و نهادهای اهداف و سیاست‌های ملی خود که هر کشوری انجام می‌دهد. از منظر *آیت‌الله خامنه‌ای* «دیپلماسی عمومی» ابزار قدرت نرم در عرصه جنگ نرم است. در این زمینه ایشان بر مسئله «نفوذ» بسیار تأکید می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۹/۴) و نفوذ بین متفکران و صاحبان خرد را خطرناک می‌داند. از این‌رو افسران و فرماندهان جنگ نرم را دانشجویان و استادان معرفی می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۴/۱۳).

یکی از مهم‌ترین بخش‌های قدرت نرم دیپلماسی عمومی و تغییر افکار عمومی است و بازیگران علمی ضمن هوشیاری و تقویت بنیان‌ها و معرفت‌ها، می‌توانند در تصحیح افکار عمومی تأثیرگذار باشند؛ زیرا هدف اصلی جنگ نرم تغییر محاسبات طرف مقابل است که این غایت از طریق آماج‌گیری علیه اراده ملت‌ها در این عرصه صورت می‌گیرد:

در جنگ نرم و جنگ روانی - که جنگ روانی یکی از بخش‌های جنگ نرم است - هدف دشمن این است که محاسبات طرف مقابل را عوض کند... در جنگ نرم، هدف آن چیزی است که در دل شماسست، در ذهن شماسست، در مغز شماسست؛ یعنی اراده شما. دشمن می‌خواهد اراده شما را عوض کند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

جوزف نای نیز بر این حقیقت تأکید می‌کند و دیپلماسی عمومی را ابزار قدرت نرم می‌داند که مبتنی بر قدرت در جهت اقناع افراد به جاذبه‌های خود برای جلب نظر عموم پی‌ریزی شده است (نای، ۲۰۰۴، ص ۵).

جین بیگلر (Jane Bigler) نیز دیپلماسی عمومی را فقط ارتباطات نمی‌داند، بلکه آن را از جنس نفوذ می‌پندارد که کشورها از آن در جهت جلب افکار مردم و حمایت از آرمان‌های خود انجام می‌دهند (بیگلر، ۲۰۰۵).

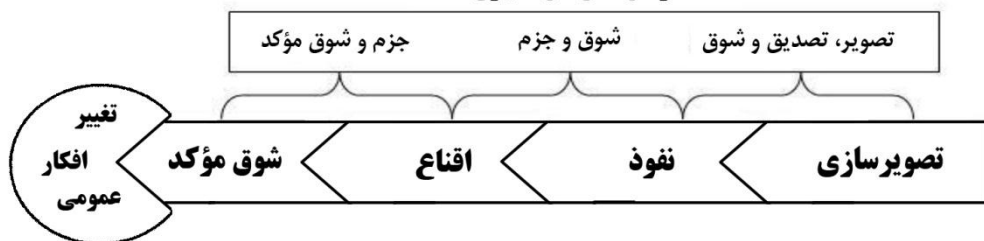
در همین زمینه، آنتونی پراتکانیس (Anthony Pratkanis) در مقاله «دیپلماسی عمومی در منازعات بین‌الملل»، دیپلماسی عمومی را ترویج منفعت ملی از طریق اطلاع‌رسانی و اعمال نفوذ در شهروندان سایر ملل معرفی می‌نماید (نانسی و ام تیلور، ۱۳۹۱، ص ۲۹۹).

نانسی انسو (Nancy Snow) در مقاله «بازاندیشی درباره دیپلماسی عمومی» معتقد است: فلسفه‌ها، راهبردها و شیوه‌های ما در حوزه دیپلماسی عمومی از اهداف دیپلماتیک اطلاعاتی یک‌سویه به سمت مبادلات عمومی تعاملی دوسویه تغییر خواهند یافت. مبادله و معامله به‌مثل، به تدابیر اعتمادسازی مبدل خواهند شد و ما بعد اجتماعی و شخصی را نیز به سایر متغیرهای نفوذ و اقناع خواهیم افزود؛ یعنی ما می‌توانیم در دیپلماسی عمومی در جهت پیوند میان ملت‌های جهان، رابطه آنها را با دولت‌ها، شرکت‌ها و یکدیگر جهت بدهیم و تحقق این خواسته، نیازمند زمان و رهبری نو می‌باشد (همان، ص ۴۱-۴۲).

به‌طور کلی با رویکرد جمع‌بندی میان برداشت‌های گوناگون در تعریف منتخب، «دیپلماسی عمومی فرایند تغییر افکار عمومی به منظور جهت‌دهی رفتار عمومی برای دستیابی به اهداف و منافع معین» است که مؤلفه‌های اصلی این فرایند «تصویرسازی»، «نفوذ»، «اقناع» و «شوق‌آفرینی» است. این چهار مرحله برگرفته از بیان علامه طباطبائی، آیت‌الله مصباح یزدی و شهید مطهری در مراحل تحقق فعل اختیاری و اراده (یعنی: تصور، تصدیق، میل و شوق، اجماع و عزم و شوق مؤکد) است (محمدی خراسانی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۵۹).

نمودار ۱: ارتباط مراحل تحقق فعل اختیاری با فرایند دیپلماسی عمومی

مراحل تحقق فعل اختیاری



برخلاف دیپلماسی رسمی، بازیگر این عرصه فقط دولت نیست، بلکه تمام بازیگران بین‌المللی (یعنی ملت‌ها، دولت‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌های بین‌المللی) هستند. به سبب ماهیت دیپلماتیک آن، قالب اجرا از جنس ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم، به صورت کلامی، تصویری و نوشتاری است.

اگرچه زادگاه این مفهوم را غرب و امریکا می‌شناسند، اما با تفحص در جهان اسلام می‌توان دریافت که از همان ابتدای ظهور اسلام، توجه ویژه‌ای به حقیقت دیپلماسی عمومی، به مثابه دعوت ملت‌ها، اقوام و سایر قبایل به اسلام (اخوان کاظمی و عزیز، ۱۳۸۸)، گفت‌وگوی ادیان، تبلیغ و روشنگری اسلام به‌وضوح مشاهده می‌شود. برای مثال، امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «رُبَّ قَوْلٍ أَنْفَذَ مِنْ صَوْلٍ» (نهیج البلاغه، ۱۳۹۹، حکمت ۳۹۴)؛ چه بسیار سخن‌هایی که از حمله کردن (و اعمال قدرت) نافذتر است. بر این اساس می‌توان بیان نمود که حقیقت اسلام دعوت به یگانگی و توحید است و پیغمبران از شیوه دیپلماسی عمومی بهره می‌جستند.

در آیه ۳۵ سوره مبارکه «نحل» خداوند متعال وظیفه پیامبران را ابلاغ آشکار بیان می‌فرماید: «فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»؛ آیا برای رسولان ما جز تبلیغ رسالت (و اتمام حجت) تکلیفی هست؟ و یا در آیه ۳۹ سوره «حزاب» از کسانی تمجید شده است که پیام‌های خداوند را بدون هیچ ترس و بیمی به گوش مردم می‌رسانند: «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»؛ (این سنت خداست در حق) آنان که رسالت خدا را تبلیغ کنند و از خدا می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا نمی‌ترسند و خدا برای حساب به‌تنهایی کفایت می‌کند.

بنابراین گرچه اصلاح آن در ادوار گذشته نبوده، اما حقیقت و شیوه‌های دیپلماسی عمومی در دین اسلام تبیین گشته است. جمهوری اسلامی ایران نیز این ابزار مبتنی بر مبانی اسلامی و اعتقادی خود در عرصه‌های گوناگون، همچون مقاومت اسلامی بهره می‌گیرد.

۳-۱. «مقاومت اسلامی»

«مقاومت» در لغت از ریشه «ق و م» به معنای ایستادگی، پایداری، دوام و استحکام (معین، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹۳) و مرادف کلمه استقامت است. گاهی همچنین بیان می‌گردد که ریشه دو لفظ «مقاومت» و «استقامت» مشترک بوده و از «قام» و «قیام» مشتق گشته‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۴۷) و در فرهنگ قرآنی از آن با لفظ «جهاد» نیز تعبیر می‌گردد.

از منظر رهبر معظم انقلاب «مقاومت» برخاسته از ایمان و باور راسخ بوده (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۷/۶) و به معنای عدم تسلیم در برابر دشمن براساس تدبیر است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۲/۷/۲۲؛ همو، ۱۳۹۴/۴/۲۷).

«استقامت» یعنی راه را گم نکردن، فریب جلوه‌های مادی را نخوردن، اسیر هوا و هوس نشدن، دستورها و فرائض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن، و به لذت‌طلبی و عشرت‌طلبی رو نیاوردن

(بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۱/۷/۱۷). در تعبیر قرآنی، این پابندی به ارزش‌ها را «استقامت» نام نهاده‌اند: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنِ تَابَ مَعَكَ» (هود: ۱۱۲).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای ماهیت مقاومت و مبارزه با دشمن نیازمند «انگیزه ایمانی، بصیرت، تدبیر، شجاعت، هوشیاری، توجه به ریسمان الهی، عقب‌نشینی نکردن، فراگیری زمانی و مکانی به همراه باور به خود و اهداف مقاومت است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶/۸/۱۴؛ همد، ۱۳۸۲/۱۲/۳؛ همد، ۱۳۸۸/۸/۷؛ همد، ۱۳۸۹/۱/۱). بنابراین حقیقت مقاومت اسلامی مبتنی بر بینش و انگیزه است که این رابطه‌اش با دیپلماسی عمومی، یعنی فرایند تغییر افکار و احساسات برای دستیابی به رفتار مطلوب، بسیار تنگاتنگ است.

۲. کاربست دیپلماسی عمومی در عرصه مقاومت

تأکید رهبر معظم انقلاب این است که عرصه کنونی روابط بین‌الملل عرصه قدرت‌هاست و منبع اصلی قدرت علم است. در حال حاضر، عرصه جهانی عرصه جنگ بین نظام سلطه به‌عنوان پرچمدار ضد اسلام و جهان اسلام است، و مقاومت اسلامی در این بستر معنا پیدا می‌کند. نظام سلطه و امپریالیسم با بهره‌گیری از عرصه دیپلماسی عمومی، ضمن جابه‌جایی حق و باطل، تصویری مناسب از خود در چهره مسلمانان، به‌ویژه ایرانیان، سازمان‌ها و دولت‌ها ایجاد کرده و موجب ترغیب، اغوا و یا تضعیف بازیگران بین‌المللی گشته است.

بدین‌روی لازم است محور مقاومت اسلامی با سیاست پیشگیرانه و تهاجمی، ضمن طراحی الگو در حوزه دیپلماسی عمومی با بهره‌گیری از کارکردهای این ابزار علمی قدرت، سیاست‌های نظام سلطه را خنثا و از نابودی هویت از درون جلوگیری نموده، زمینه برتری محور مقاومت اسلامی را فراهم سازد. در این بخش کاربست دیپلماسی عمومی در عرصه مقاومت اسلامی بیان می‌گردد:

۱-۲. بیدارسازی

عوامل گوناگونی موجب سلطه ناپذیری کشورها و مقاوم‌سازی آنها در عرصه بین‌المللی می‌شوند که یکی از آنها بیداری ملت‌هاست. در هر کشوری که مردم آن بیدار، باایمان و در صحنه حاضر باشند و خواهان دفاع از حقوق ملت خود گردند هیچ قدرت بین‌المللی قدرت تسلط بر آن کشور و ملت را ندارد؛ حتی قدرت‌های موشکی و اتمی و دیگر تجهیزات نظامی، توان غلبه بر چنین ملتی را ندارند. بدین‌روی نظام سلطه‌ستیز بر مبنای اهداف خود به بیداری ملت‌ها می‌پردازد و یکی از اهداف و راهبردهای خود را در جهت سلطه ناپذیری و زمینه‌سازی برای ایجاد روابط بین‌الملل مطلوب، بیدارسازی ملت‌ها می‌داند.

بنابراین بیداری و اراده ملت عامل اصلی مقابله با نظام سلطه و عامل تضمین‌کننده پیروزی‌هاست و هرچا نظام سلطه در کودتای نظامی و یا حمایت از فتنه‌گران موفق نگردیده عامل اصلی آن بیداری ملت بوده و در حال حاضر ما نیز شامل بیداری اسلامی - که آغازگر آن انقلاب اسلامی بوده - هستیم و این در حال

گسترش به تمام مناطق جهان است و نشان از تحول وضعیت جهانی به سوی جامعه مطلوب اسلامی دارد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹).

بزرگ‌ترین عذاب خداوند بر یک ملت و بدترین درد برای یک جامعه آن است که آن ملت و جامعه غافل شوند. در عرصه جهانی، دشمنان منتظر غفلت ملت‌ها هستند تا در هنگام مناسب، ضربه خود را وارد سازند. اگر ملت‌ها و جوامع انسانی خواهان پیروزی در روابط بین‌الملل و دستیابی به جامعه مطلوب هستند باید از روحیه جهادی و ایثار، تهاجم فرهنگی دشمن، شیخون دشمن، نفوذ دشمن، و فضای رسانه‌ای غافل نگردند. مقابل غفلت «یقظه» (یعنی بیداری و هشیاری) است. بنابراین غفلت خواب، بی‌دقتی و ناآگاهی است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایتی چنین می‌فرماید: «صَادُوا الْغَفْلَةَ بِالْيَقْظَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۸۱)؛ با بیداری، به جنگ غفلت بروید.

بیداری بینش و نوری است که موجب روشن و آگاه کردن جامعه انسانی می‌شود و در مقابل آن، غفلت است که تاریکی، نبود بینش و گمراهی است. این امور مبتنی بر فرایندهای دیپلماسی عمومی است. از این رو با تصویرسازی و نفوذ هوشمندانه و اقناع مستدل محور مقاومت، می‌توان افکار عمومی جهان را بیدار کند. لازمه این امور علاوه بر موارد ذکرشده، شبکه‌های پیام‌رسان و انتقال داده‌ها و گسترش ارتباطات است. بیدارسازی در این مرحله شامل شفاف‌سازی تصاویر و مشخص نمودن نقاط ضعف و قوت در برنامه و افکار است و لازمه آن علت‌کاوی و تشریح مقاصد در برنامه‌های نظام سلطه است.

۲-۲. اتحاد آفرینی

«اتحاد» یعنی: اعضای یک مجموعه وحدت، درون‌گرایی، اتصال و چسبندگی خود را نسبت به یکدیگر حفظ کرده، مانع واگرایی شوند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶/۱۱/۲۸). اسلام همه مسلمانان را با هر مذهبی به اتحاد و برادری دعوت می‌کند و مخالف ایجاد اختلاف است. یکی از مصادیق الگوپذیری از اهل بیت علیهم السلام و سیره پیشوایان دین، اتحاد و انسجام جهان اسلام است. اتحاد و همبستگی میان اعضای جامعه، یعنی رهبران و مردم، سبب موفقیت مسلمانان بوده است. هویت اجتماعی براساس اتحاد و انسجام است. بدین‌روی اتحاد و انسجام مسلمانان تقویت‌کننده هویت اجتماعی جهان اسلام است. جمهوری اسلامی ایران نیز این مسئله را از اهداف ذاتی خود می‌داند (پورشقاقی، ۱۳۸۵، اصل ۱۱).

اتحاد مسلمانان برای جهان اسلام پیامدهای گهرباری به همراه دارد. اولین اثر اتحاد و انسجام در جهان اسلام این است که مسلمانان احساس قدرت می‌کنند و توان مقاومت آنها افزایش می‌یابد و بعکس، تفرقه باطن انسان را تهی می‌کند: «وَوَدَّعَبْرِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶) و طراوت و نشاط یک ملت را از او می‌گیرد. علت ترس دولت‌ها و ملت‌ها در عرصه بین‌المللی و مرعوب قدرت‌های مستکبر شدن این است که احساس تنهایی و بی‌پشتیبانی می‌کنند. در صورت اتحاد جهان اسلام، مسلمانان و دولت‌های اسلامی احساس می‌کنند پشتیبانی

عظیم خواهند داشت و هیچ‌گاه مرعوب نظام سلطه نخواهند گشت و «شبکه توأسی» در مقاومت شکل می‌گیرد. بنابراین دومین اثر اتحاد ایجاد حس شجاعت است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۰/۹/۲۵).

در صورت اتحاد و برچیده شدن اختلافات میان امت اسلامی، دست‌ها، قدم‌ها، توان‌ها و فکرها در یک جهت واحد قرار می‌گیرد و کارایی بیشتری در مواجهه با نظام سلطه بر ضد اسلام از خود بروز خواهند داد. بنابراین سومین اثر اتحاد، زمینه‌سازی و کارآمدی هرچه بیشتر جهان اسلام در عرصه‌های گوناگون است. یکی از عوامل مهم در پیروزی‌ها و نبردها اتحاد میان قواست که موجب همصدایی و همگونی اقدامات می‌گردد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۷/۲۲).

بنابراین برای اثربخشی و عمق‌بخشی به اتحاد میان مسلمانان، این موضوع باید در دیپلماسی عمومی در مواجهه با نظام سلطه، سرلوحه کارها قرار گیرد؛ زیرا تصویرسازی واحد و ایجاد پیام‌های واحد موجب تقویت روابط و موج‌آفرینی در عرصه مقاومت و زمینه اتحاد محور مقاومت می‌گردد تا در مقابل تفکرات و عملکرد نظام سلطه در روابط بین‌الملل ایستادگی شود و مبانی تفکر مطلوب در جهان اسلام منتشر گردد. اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که از چه طریقی می‌توان این هدف را در عرصه بین‌الملل اجرا نمود؟

برای عملیاتی‌سازی اتحاد مسلمانان مبتنی بر دیپلماسی عمومی، لازم است از روش‌های «تمسک به قرآن (آل عمران: ۱۰۳)، جهت‌گیری وحدت به سوی حاکمیت اسلام (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۳۶)، محوریت‌بخشی به اهل بیت علیهم‌السلام (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۹/۳/۴)، ممانعت از تعصبات و فرقه‌گرایی، رفع تعارض‌ها و کشمکش‌ها (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۹/۷/۱۶)، هوشیاری در برابر تفرقه‌افکنی‌ها، و تقرب دل‌ها، فکرها و ایمان‌ها (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۱۰/۱۸) بهره گرفت.

فرایندهای چهارگانه در الگوی دیپلماسی عمومی عامل سرعت‌بخشی و عمق‌دهی وحدت و انسجام است. اگر مردم مسلمان با هم متحد باشند، فریب افکار عمومی بر دشمن سخت می‌گردد. بدین‌روزی که از یک‌سو تصویرسازی، نفوذ و اقناع آنها از سوی نظام سلطه با چالش مواجه می‌شود و از سوی دیگر با انسجام می‌توانند تصاویر مثبتی از جهان اسلام در افکار عمومی و به‌ویژه جوامع انسانی کشورهای نظام سلطه ایجاد نمایند. بنابراین کارکرد دیپلماسی عمومی و اتحاد و انسجام در عرصه مقاومت، دوسویه و متقابل است.

۳-۲. الگوسازی

یکی از اهداف نهایی جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه محور مقاومت، تحقق تمدن اسلامی در جهت سعادت و رهایی است. اما این هدف غایی زمانی محقق می‌گردد که هدف میانه‌تری به نام «الگوسازی جمهوری اسلامی ایران» محقق گردد و این جزو اهداف انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است. امام خمینی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

به خواست خدای تعالی، ملت ایران راه خود را یافته و به پیش می‌رود و ما معتقدیم که پس از پیروزی ملت، با اجرای قوانین اسلامی، جامعه‌ای به وجود آید که الگو و نمونه باشد برای ملت‌های جهان، برای نجات و سعادت خود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۳۹۱-۳۹۲).

این هدف با صدور فرمان انقلاب توسط امام خمینی^ع جلوه خاصی به خود گرفت. معنای «الگوسازی» این است که جامعه مطلوب از منظر اسلام ایجاد شود و به دیگر جوامع عرضه گردد و در این الگو رفاه مادی و معنوی و سعادت دنیوی و اخروی با هم تأمین شود. «صدور انقلاب» تعبیری از انتشار و پخش ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و آزادی‌بخش به جهانیان است (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۳۶-۵۴). صدور انقلاب همان ادامه راه انبیاست. / امام خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

«صدور انقلاب» یعنی: صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش‌های انسانی. ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم. این راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۴/۱۹).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و صدور آن در جهان، معادلات بین‌المللی تغییر یافت و ایران با کسب قدرت‌های داخلی و بین‌المللی و ارائه الگوی مردم‌سالاری اسلامی و جامعه‌ای پیشرفته بدون وابستگی به نظام سلطه، توانست به مرکزیت مقاومت، مرکزیت حرکت عظیم جهانی در پیچ تاریخ، منبر جهانی مسلمانان و مظلومان و مرکز دنیای اسلام تبدیل شود. از این رو از حیث شیوه، انقلاب با تشکیل حکومت انقلابی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و همچنین ارائه الگوی اقتصاد مقاومتی تحت فشار و تحریم جهانی موفق بوده است.

دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با آشکارسازی موفقیت‌های خود و تصویرسازی و نشان‌بخشی به شکست‌ها و افول نظام استکباری در الگوسازی جمهوری اسلامی ایران نقش بسزایی داشته باشد. جلب اعتماد و مرجع گشتن در عرصه دیپلماسی عمومی امری حیاتی است. با الگو شدن جمهوری اسلامی ایران، کسب اعتماد و مرجعیت پیام دستگاه دیپلماسی عمومی این کشور محقق می‌گردد و راهی سهل‌تر در مسیر نفوذ، اقتناع و شوق‌آفرینی در مواجهه با نظام سلطه و محوریت‌بخشی در عرصه مقاومت پیدا می‌کند.

یکی از فواید الگوسازی دیپلماسی عمومی در عرصه مقاومت اسلامی، طرح‌ریزی و ارائه الگوی «از مینا تا عمل» است. به عبارت دیگر از حیث ارائه اصول و فرایندهای چهارگانه دیپلماسی عمومی به سایر ملل مؤثر است و می‌تواند الگوی اجرایی «از تصویر تا شوق‌آفرینی» در مواجهه با نظام سلطه باشد. همچنین در موفقیت محتوای آن در عرصه اقتصاد و فرهنگ و سیاست و انتقال تجربه و ایده، امیدآفرین باشد، به‌گونه‌ای که می‌تواند در ترمیم مشکلات موفق بوده، خارج از سلطه ابرقدرت‌ها به حیات خود ادامه دهد و موفق باشد.

۲-۴. گفتمان‌سازی

«گفتمان» (Discourse) در لغت به معنای «سخن گفتن، سخنرانی کردن، ادا کردن، مباحثه، قدرت استقلال، مجادله و مباحثه، توان و استعداد، جریان روند یا توالی زمان، تفکر، مسیر، جریان و راه و روش، پرده نمایش، دوییدن، رفتن، گفت‌وگو و مکالمه، عمل، قانون، قدرت و نماد» است (باباکا گو، ۱۹۸۱، ص ۵۴۱).

تعریف اصطلاحی «گفتمان» بسیار پیچیده است؛ گاهی با الفاظی همچون قدرت، زور، سلطه، و مهاجرت همراه می‌شود و برخی آن را مبهم و بی‌معنا می‌دانند که در بستر تاریخی معانی متفاوتی را به خود گرفته است. یورگنسن و فیلیپس (Jorgensen & Phillips) گفتمان را «شیوه ویژه‌ای از سخن گفتن درباره هستی و درک آن و یا فهم جلوه‌ای از آن» معرفی می‌نمایند.

گفتمان از منظر ون دایک (Van Dyke) زبان در بافت است که حاکی از ارتباط محاوره‌ای، حرکات بدن، رفتار متقابل و متن است که در بافت معینی صورت می‌گیرد. میشل فوکو (Michel Foucault) گفتمان را مکان تلاقی قدرت و دانش می‌داند (برنز، ۱۳۸۲، ص ۱۰).

ارنستو لاکلائو و شانتال موفه (Ernesto Laclau & Chantal Mouffe) گفتمان را «مجموعه‌ای معنادار از نشانه‌های زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی» تعریف می‌کنند. آنها گفتمان را فقط ترکیب گفتار و نوشتار نمی‌دانند، بلکه اجزای درونی کلیت گفتمان می‌دانند و به نظر آنها گفتمان شامل بعد مادی و بعد نظری است (ر.ک: لاکلائو و موفه، ۱۳۹۷).

حسن بشیر نیز در کتاب *دیپلماسی گفتمانی: تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات* معتقد است: گفتمان «چالش‌های گفتاری متأثر از منابع خاص با سطحی از فراگیری و مطالبه‌گری است که منجر به بروز رفتارهای متأثر از آن چالش‌ها شده» و مرادشان از «چالش‌های گفتاری» مباحث و گفت‌وگوهایی است که ممکن است به اشکال و بیان‌های خاص در جامعه بروز کند (بشیر، ۱۳۹۵، ص ۲۰۵).

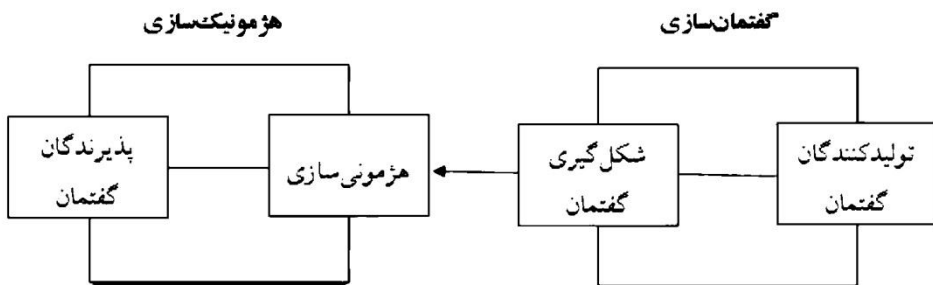
حقیقت گفتمان را می‌توان در منظومه فکری مقام معظم رهبری مشاهده کرد. ایشان «گفتمان» را شعار پرمحتوا و حاکی از حقیقت قابل گسترش فکری جهت‌دهنده و برانگیزاننده می‌داند. گفتمان فضا و خواست و باور عمومی است؛ یعنی سخن مقبول عموم باشد. گفتمان مانند هواست که همه از آن استفاده می‌کنند، گرچه مطالبه نشود. همچنین از منظر ایشان گفتمان تصمیم‌ساز است و برای گفتمان‌سازی باید اذهان عمومی بسیج شود.

حقیقت گفتمان‌سازی امری و دستوری نیست، بلکه نیازمند طراحی فرایند علمی مبتنی بر جامعه هدف است. مسیر تحقق آرمان‌های محور مقاومت در سطح جهانی فقط از طریق گفتمان‌سازی می‌گذرد، به‌گونه‌ای که آرمان‌ها و اهداف روح کلی اقشار گوناگون جامعه و تبلور آنها در شیوه زندگی، زیرساخت‌های اجتماعی و جریان یافتن آن در سراسر مویرگ‌های حیات اجتماعی شود و این گفتمان‌سازی در جهت اعتلای اندیشه و معرفت مقاومت و سلطه‌ستیزی مخاطبان است. هرگاه این معارف با احساس مسئولیت و تعهد همراه گردد باعث عمل و اقدامات می‌گردد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۹/۲۲). گفتمان‌سازی موجب خنثاسازی حربه‌های نظام سلطه، صدور انقلاب اسلامی و تصویرسازی مثبت از کشورهای مقاومت و سلطه‌ستیز می‌شود. به عبارت دیگر موجب تصویرسازی، نفوذ، اقناع و ایجاد شوق مؤکد در مخاطبان داخلی و بین‌المللی در جهت دیپلماسی عمومی در برابر نظام سلطه موجب گفتمان‌سازی مبتنی بر مقاومت اسلامی می‌گردد.

باید دقت داشت که نخبگان مؤثران اصلی در گفتمان‌سازی هستند. در تحلیل جریان‌ات تاریخی، نقش نخبگان در دگرگون‌سازی جوامع بشری، برجسته است، به گونه‌ای که در جامعه‌شناسی به‌مثابه کارگزار تغییر معرفی می‌شوند. نخبگان با توانایی و قدرت تأثیرگذاری ویژه خود، جهت و آهنگ تحولات را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهند. در حقیقت، این کارگزاران، اصلی‌ترین نیروها و بازوان فکری مؤثر در گفتمان‌سازی و پیشرفت جامعه به‌شمار می‌روند. یک گفتمان و یک جریان فکری در جامعه، به‌دست خواص جوامع محقق می‌گردد. بدین‌روی استادان دانشگاه، فرزندان و نخبگان علمی در هر کشوری می‌توانند سررشته‌دار حرکت مردم شوند و لازمه این تحول‌سازی اخلاص، شجاعت، عدم طمع‌ورزی، و هوشیاری است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۹/۲۱).

گفتمان تأثیری مستقیم بر کنش ارتباطی جامعه دارد و در حقیقت به آن «دیپلماسی گفتمانی» گفته می‌شود. در این جریان دو مرحله «تولید» و «توزیع» گفتمان وجود دارد. به عبارت دیگر به مرحله تولید گفتمان «گفتمان‌سازی» و به مرحله توزیع گفتمان «هژمونیک‌سازی» گفته می‌شود. نتیجه این دو جریان، تأثیرپذیری مخاطبان از گفتمان ایجاد شده است. «هژمونیک‌سازی گفتمان» در اصل «قدرت‌سازی گفتمان» است و در این زمینه متغیرات درون و برون گفتمان «بازیگران، محتوای گفتمان، هدف گفتمان و درجه تأثیرگذاری گفتمان» هستند که در نمودار ذیل به تصویر کشیده شده است (بشیر، ۱۳۹۵، ص ۳۵-۳۶):

نمودار ۲: مراحل جریان گفتمانی



متغیرهای درون و برون گفتمانی

- بازیگران
- محتوای گفتمان
- هدف گفتمان
- درجه تأثیرگذاری گفتمان

گفتمان‌سازی عرصه تعامل فرهنگ و سیاست است.

فرهنگ مبنا و باطن سیاست است و هر سیاستی مسبوق به‌نوعی فرهنگ و تفکر است و اساساً مفاهیم و مباحث سیاسی در قلمرو فرهنگی به خلط معنا، تحریم و حدود مفاهیم سیاسی می‌انجامد (زرنشاس، ۱۳۷۱، ص ۱۴).

به عبارت دیگر در بحث گفت‌وگو سازی، رابطه فرهنگ و سیاست، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی سیاست‌ها در عرصه و نقشه فرهنگی هستند. بنابراین «گفت‌وگو سازی مقاومت» عرصه تعامل فرهنگ ایستادگی و سیاست نفی سلطه و مبارزه با امپریالیسم است. انقلاب اسلامی با شعارهای مبتنی بر فطرت انسانی و برگرفته از تعالیم اسلامی با ارائه دیدگاه استقلال طلبانه در قالب شعار «نه شرقی، نه غربی» رویکردها و جامعه بین‌المللی را متحول ساخت و گفت‌وگو جدیدی را در نظام بین‌الملل براساس هویت انسانی - اسلامی و مقاومت ایجاد کرد (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶/۶/۳۱). این مهم در بستر «دیپلماسی عمومی»، یعنی تصویرسازی، نفوذ، اقتناع و شوق آفرینی در عرصه مقاومت در برابر شرق و غرب محقق گردید.

۲-۵. هویت آفرینی

در روابط بین‌الملل به علت عدم معنابخشی اخلاق و وجود انسان‌های منقطع از خدا و بی‌معنویت، هویت واقعی از بین رفته و در حقیقت مدنیت جنگلی به پا گشته (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۴/۳/۵) و بحران هویت است. مقاومت اسلامی می‌تواند با ارائه هویت مقاومت مبتنی بر تعالیم انسانی و فطری، موجب افزایش و استحکام محور مقاومت و تزلزل نظام سلطه گردد. ملت‌ها بر اثر انقطاع از دین و معنویت، پوک شده، هویتشان را از دست می‌دهند که حاصل آن سرگردانی و حیرت و ذلت است. یکی از اهداف نظام سلطه بی‌هویتی افراد جوامع به سبک تغییر افکار عمومی از طریق دیپلماسی عمومی است. از این رو برای مقابله با تهدیدها و تطمیع‌های دشمنان در فضای مجازی و حقیقی لازم است ایمان و معنویت در جامعه افزایش یابد.

«هویت» (Identity) از ریشه «هو» و در لغت به معنای «ذات باری تعالی، هستی، وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد» آمده (عمید، ۱۳۸۹)، ذیل واژه «هویت» و در کتاب *فرهنگ فارسی* علاوه بر معانی مزبور گفته شده است:

هویت عبارت از حقیقت جزئی است؛ یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و اعتبار شود «هویت» گویند و گاه هویت به معنی وجود خارجی است و مراد تشخیص است، و هویت گاه بالذات و گاه بالعرض است (معین، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۱۲۵).

شناخت حقیقی از هویت عبارت است از: ادراک جایگاه و منزلت و مرتبه انسانی، فهم پیوند ارتباطی او با خود و جهان پیرامونی و شناخت وظایف و مسئولیت‌ها در مقابل خود و دیگران (شرفی، ۱۳۸۵، ص ۹).

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَنْشُدُ ضَالَّتَهُ وَ قَدْ أَضَلَّ نَفْسَهُ فَلَا يَطْلُبُهَا» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۱۴۱)؛ در شگفتم از کسی که در پی یافتن گمشده خویش می‌گردد، در حالی که خود را گم کرده و در پی یافتن خویش نیست!

در حقیقت، هویت به درک و علم بشریت از خود و روابط پیرامونی خود مرتبط است و سبکی برای تعریف فهم است. مرزبندی انسان‌ها با یکدیگر و وجه تمایز آنها هویت است. بنابراین هویت شامل خودشناسی و دیگرشناسی است. مهم‌ترین خصوصیات هویت عبارت است از:

۱-۵-۲. معناساز بودن

هویت، چه در سطح فردی و یا اجتماعی پیوند زنده دنیای درونی یا فردی با جامعه برونی فرهنگی و روابط اجتماعی است. در حقیقت هویت‌ها معنایی اساسی هستند که ذهنیت انسان‌ها را می‌سازند و ملت‌ها به‌واسطه آنها نسبت به اتفاقات و رخداد‌های زندگی خود حساس می‌شوند (گل‌محمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۵). هویت می‌تواند از طریق انکار آگاهانه ابهام و کنار گذاشتن تفاوت‌ها به‌دست آید.

۲-۵-۲. استمرار و تمایز

از دیگر ویژگی‌های هویت «تمایز و استمرار» است که مکمل یکدیگرند؛ یعنی هویت موجب تداوم و پیوستگی با گروهی و تغایر با سایر گروه‌ها می‌گردد و موجب داشتن حس استقلال در افراد می‌شود و ملت‌ها به سبب احساس اصالت و ریشه داشتن، به‌سادگی تغییر نمی‌کنند (رجایی، ۱۳۸۲، ص ۶۷). بر اثر این خصوصیات ملت‌ها دچار غیرت‌سازی با بیگانگان شده، ضریب حساسیت و مصون‌سازی‌شان در برابر دیپلماسی عمومی نظام سلطه بالا می‌رود.

هویت افراد با توجه به تعلقات سرزمینی و فکری آنها متفاوت است و برای تقویت هویت از تمام اقسام و ابعاد هویت باید بهره گرفت؛ زیرا افراد جامعه متفاوت هستند و ممکن است برخی از مردم به بعضی از انواع هویت تعلق خاطر داشته باشند.

اقسام و ابعاد هویت عبارتند از: هویت شخصی (Personal identity)؛ هویت اجتماعی (Social identity)؛ هویت دینی (Religious identity)؛ هویت ملی (National identity)؛ هویت فرهنگی (Cultural identity). یکی از مشکلات و بحران‌های دوران کنونی که عصر جاهلیت نوین است، احساس پوچی، سرگردانی و بی‌هدفی است. علامه محمدتقی جعفری در کتاب *بن‌بست / امروز بشر* در این‌باره می‌نویسد:

به یاد دارم این مسئله را با یکی از انسان‌های دلسوز مطرح کردم که از عواطف انسانی برخوردار و عمری را در فکر دفاع از آزادی‌های معقول و حقوق انسان‌ها سپری کرده بود. او با استناد به از دست رفتن هویت انسانی و ارزش‌های والای انسان گفت: بگذار این زمین که فقط به‌صورت زرادخانه برای انباشتن سلاح بیشتر و قهوه‌خانه عیش و عشرت و بوج‌گرایی و مبارزه با هرگونه عظمت‌های انسانی درآمده است، هرچه زودتر از بین برود! (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۵۹)

با توجه به سیاست جهانی‌سازی در عرصه بین‌الملل، بحران هویت ایجاد شده است. در واقع، جهانی‌شدن (Globalization) و یا به تعبیر دقیق‌تر «جهانی‌سازی» با تضعیف و یا نابودی مؤلفه‌های هویت، سلب‌کننده تمایز میان ملت‌هاست و با جهانی‌سازی نوعی یکسان‌سازی دروغین و خطرناک حاصل می‌شود (گل‌محمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۴).

به عبارت دیگر با توجه به تفکر فردگرایانه (لیبرالیستی) حاکم بر نظام سلطه، هویتی انسان‌گرایانه (اومانستی) مبتنی بر پایه فردگرایی بر جوامع تحمیل می‌گردد که به نوعی زمینه‌سازی پذیرش سلطه است؛ اما در مقابل، هویت

اسلامی براساس بینش، کنش و منش حقیقی، همواره بشریت را از پوچی خارج می‌کند؛ یعنی انسان را به ابعاد وجودی خود و عین‌الربط بودن و فقر محض نسبت به خالق هستی و داشتن هدف از آمدن به عالم دنیا توجه می‌دهد و افقی برای حرکت و تکامل بشریت می‌گشاید.

به بیان ساموئل هانتینگتون دین و هویت دینی همیشه تمدن‌ساز بوده است (هانتینگتون، ۱۳۷۸، ص ۱۷) و بر اثر تمدن‌سازی، افراد بار معنایی و ارزشی به خود می‌گیرند و از پوچ‌گرایی رهایی می‌یابند. جهانی‌سازی نیز به سبب زیرسؤال بردن فراروایت‌ها، فرصتی برای احیای دین و تقویت نقش اجتماعی آن ایجاد نمود (مسعودنیا، ۱۳۸۹). مقاومت اسلامی می‌تواند با بهره‌گیری از تصویرسازی، نفوذ و اقتناع و ایجاد شوق، ضمن معرفی هویت فطری مقاومت در جهت خنثاسازی و ترسیم بحران هویت ناشی از نظام سلطه قدم بردارد که ضمن تقویت جبهه مقاومت، موجب تضعیف نظام سلطه می‌گردد.

۶-۲. هوشمندسازی

در روابط بین‌الملل موجود، محور تمام مناسبات بین‌المللی، قدرت است و تمام کشورها و بازیگران بین‌المللی، به‌ویژه نظام سلطه از طریق قدرت به اهداف خود نائل می‌گردند. به عبارت دیگر ساختار روابط بین‌الملل مبتنی بر قدرت است (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۶/۲/۱۹) و در این چینش، کشورها و مجموعه‌های ضعیف که از قدرت لازم برخوردار نیستند محکوم به شکست و مرگ هستند. اگر افراد و ملت‌ها قوی نباشند، قدرت‌های مستکبر بین‌المللی از آنها باج گرفته، به آنها بی‌احترامی می‌کنند (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۳/۱/۱).

در این مناسبات، سه نوع قدرت «سخت»، «نرم» و «هوشمند» وجود دارد. جوزف نای قدرت «سخت» را قدرت کمی می‌پندارد و آن را مرتبط با برهه حاکمیت نظریات واقع‌گرایانه (رنالیستی) در نظام بین‌الملل می‌داند. از این رو قدرت سخت توان اجبار با توسل به اقدامات، ابزارها و تصمیمات آشکار و مستقیم است و بارزترین خصوصیت این قدرت، برهنه و آشکار بودن منابع آن، یعنی عناصر مادی و ملموس (همانند زور و پول) است (نای، ۲۰۱۱، ص ۱۴).

الکساندر ووینگ (Alexander L. Vuving) منشأ تولید قدرت نرم را سه مؤلفه «مهربانی» (Benignity)، «هوشمندی» (Brilliance) و «زیبایی» (Beauty) بیان می‌کند.

«مهربانی» در محیط بین‌الملل، مانند حمایت از حقوق بشر و دموکراسی، کمک به کشورهای درگیر بحران معیشتی (همچون قحطی و زلزله، بخشش بدهی‌ها، حمایت مالی از کشورهای نیازمند و حمایت از صلح و امنیت بین‌المللی) می‌تواند به منبع مهمی برای تولید قدرت نرم تبدیل شود.

«هوشمندی» و بهره‌گیری از ذکاوت موجب حل مشکلات در مسائل بین‌المللی می‌گردد.

«زیبایی» و زیباسازی در محیط جهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند میزان نفوذ و اقتناع‌سازی را سرعت بخشد و این امر به کمک هنر محقق می‌گردد (ووینگ، ۲۰۰۴).

«هوشمندی» واسطه‌ای میان امکان و عدم امکان (یعنی توان بالفعل و توان بالقوه) است که هوشمندانه در جهت دستیابی به اهداف ترکیب شده است. بدین‌روى این نوع قدرت، ترکیب دو قدرت سخت و نرم است (نای، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

کشورهای محور مقاومت دیپلماسی عمومی در عرصه مقاومت در برابر نظام سلطه می‌توانند با همراهی منابع ذیل به سمت هوشمندسازی قدم بردارند:

۱-۲-۶. منابع مادی

به‌کارگیری امکانات و ابزارهای مادی در عرصه قدرت امری طبیعی است، اما علاوه بر آن باید از عرصه فناوری در ارتباط با منابع قدرت هوشمند بهره جست. حوزه فناوری شامل فناوری‌های حساس برای تولید و بازپروری مواد، ساخت و تبدیل کالاهای راهبردی در حوزه‌های نظامی، زیست‌محیطی و اقتصادی است. بنابراین به‌کارگیری حوزه فناوری می‌تواند در تقویت جایگاه واحدهای سیاسی مؤثر باشد (فتاحی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۷).

۲-۲-۶. منابع مجازی

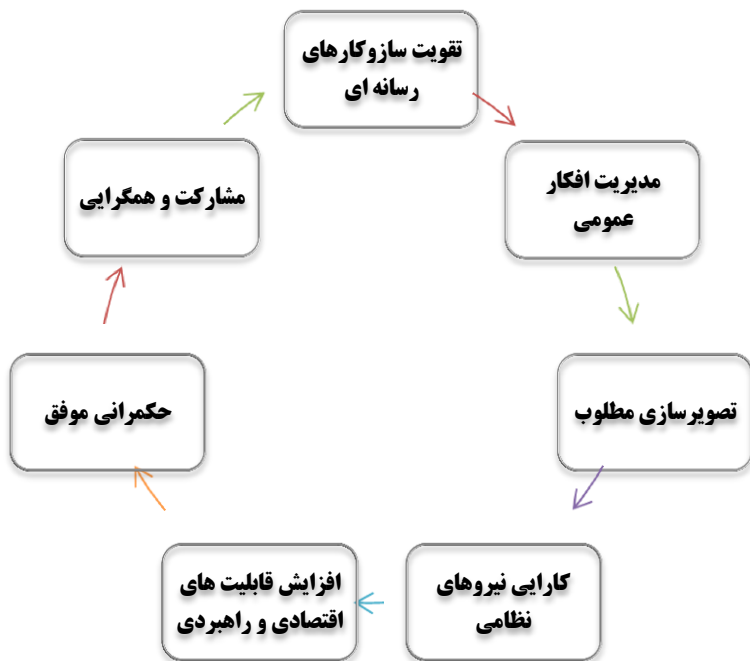
تجهیزات قدرت هوشمند در عرصه مجازی، در پردازش، نگهداری و انتقال اطلاعات قدرت نرم و دیپلماسی عمومی می‌توانند کمک‌رسان باشند. بنابراین همه شاخص‌های قدرت مجازی در زمینه‌های ارتباطات و اطلاعات می‌توانند هماهنگ‌سازی و انعکاس قدرت مجازی یک واحد سیاسی را در سایر کشورها و مراکز دوردست مهیا کنند و موجب افزایش قدرت هوشمند آنها گردند (کلدبرگ، ۱۹۹۵، ص ۱۹).

۳-۲-۶. منابع معنوی

قدرت هوشمند از راه عقلانیت ماهوی به دنبال کنترل روح، احساسات و فهم سایر ملت‌هاست. بنابراین عوامل غیرمادی و توجه به امور معنوی بسیار تأثیرگذار است (کوهوت و استوکس، ۲۰۰۶). به عبارت دیگر در جهت تقویت اراده و عزم کشورهای صاحب قدرت هوشمند این منابع مؤثرند و همچنین در جهت ترغیب و تغییر و مهار مردم کشورهای هدف نیز امور معنوی در ایجاد شوق و موج‌آفرینی در تغییر رفتار تأثیر گذارند.

تقویت قدرت هوشمند موجب حذف کوتاهی‌ها و کمبودها در عرصه قدرت سخت و نرم می‌شود. از این‌رو کارایی این دو قدرت را افزایش می‌دهد و به‌طور کلی می‌توان گفت: کارکرد و کارآمدی قدرت هوشمند در سیاست بین‌الملل تقویت در عرصه‌های سازوکارهای رسانه‌ای، مدیریت افکار عمومی، تصویرسازی مطلوب، کارایی نیروهای نظامی، افزایش قابلیت‌های اقتصادی و راهبردی، حکمرانی موفق، و مشارکت و همگرایی بازیگران بین‌المللی است (قربانی شیخ‌نشین و دیگران، ۱۳۹۰).

نمودار ۳: کارایی و کارآمدی قدرت هوشمند در عرصه مقاومت



نتیجه‌گیری

عرصه نظام بین‌الملل مبتنی بر قدرت است و فضای حاکم بر آن به سبب کمبود منابع و جاری شدن قانون جنگل، فضای رقابتی دارد. از سوی دیگر ظهور جهان اسلام با خصوصیات توحیدی و توجه به مسائل معنوی و انسانی، تقابل جدی با مستکبران و استعمارگران دارد. در عصر جدید نظام سلطه و به کارگیری استعمار «فرانو» (فرهنگی)، بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی در سیاست جهانی از اهمیت بالاتری برخوردار گشته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل جمهوری اسلامی، جبهه اسلامی با رویکرد ضد سلطه بار دیگر در روابط بین‌الملل ایجاد گردید و با گذشت ایران از امتحانات داخلی و بین‌المللی، بر قدرت مادی و معنوی و بالتبع اقتدار آن افزوده شد و ساختار روابط بین‌الملل موجود از فضای جنگ سرد خارج گشت و به دوقطبی نظام «سلطه» و «سلطه‌ستیز» تغییر شکل یافت و نظام بین‌الملل عرصه تقابل اسلام و آزادی‌خواهی با سلطه و طمع‌ورزی و در نتیجه تشکیل محور مقاومت گردید.

میزان تأثیرگذاری در عرصه بین‌الملل وابسته به قدرت، از حیث کمی و کیفی است. ابتدا تکیه بازیگران بر قدرت سخت بود، اما امروز علاوه بر آن، بر قدرت‌های نرم و هوشمند تأکید می‌شود و با توجه به اهتمام به قدرت علم و فرهنگ، دیپلماسی عمومی به‌منابه یکی از ابزارهای قدرت جایگاهی ویژه یافته است. ماهیت قدرت تعامل

کشورها با ملت‌ها در جهت تغییر افکار عمومی و برانگیختن آنها به تغییر رفتار و مطالبه خواسته‌های کشور استفاده‌کننده از دیپلماسی عمومی است؛ یعنی تغییر رویه دیپلماسی از گفت‌وگوی دولت‌ها با دولت‌ها به گفت‌وگوی با ملت‌ها و فشار به دولت‌ها. در جهت مدیریت دیپلماسی عمومی، چهار مرحله «تصویرسازی»، «نفوذ»، «اقناع» و «شوق مؤکد» دنبال می‌گردد.

محور مقاومت با به‌کارگیری دیپلماسی عمومی می‌تواند با تصویرسازی و پیام‌آفرینی موجب بیداری فطرت انسان‌ها در مقابله با نظام سلطه گردد و اتحاد میان ملت‌ها، سازمان‌ها و دولت‌های مخالف محور مقاومت و الگوسازی در این عرصه شود. نفوذ و اقناع در دیپلماسی عمومی بستر گفتمان‌سازی مقاومت است. بنابراین باید راهبرد «گفتمان‌سازی» در عرصه نفوذ و اقناع سرلوحه امور محور مقاومت قرار گیرد. گفتمان‌ها در حقیقت شعارهای پرمحتوا و حاکی از حقایق قابل‌گسترش فکری و جهت‌دهنده افکار عمومی هستند. در این گفتمان‌ها متغیرهای درونی و بیرونی (بازیگران، محتوا، اهداف و درجه تأثیرگذاری) بسیار مؤثرند و میزان تأثیرگذاری بر مخاطبان در این عرصه مبتنی بر «گفتمان‌سازی» و «هژمونیک‌سازی» است.

گفتمان مقاومت از طریق دیپلماسی عمومی موجب تصویرسازی نفوذ و اقناع و شوق‌آفرینی در افکار عمومی می‌گردد و در عرصه بحران هویت، ضمن هویت‌یابی مقاومت و مبتنی بر فطرت انسانی، می‌تواند تغییر رفتار عمومی بر محور سلطه‌ستیزی را در پی آورد و در صورتی که این قدرت دیپلماسی عمومی با سایر منابع قدرت سخت و مادی ترکیب شود هوشمندسازی قدرت در عرصه مقاومت را موجب می‌گردد. از این رو می‌توان کاربست دیپلماسی عمومی را از منظر *امام‌خامنه‌ای* در عرصه مقاومت اسلامی، بیدارسازی فطرت انسان‌ها، اتحادآفرینی، محور آزادی بشریت، الگوسازی تعالیم انسانی و اسلامی، ایجاد گفتمان بر مبنای هویت انسانی - اسلامی، و هوشمندسازی قدرت در برابر نظام سلطه براساس تغییر افکار و رفتار عمومی دانست.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۹۹، ترجمه محمد دشتی، قم، هادی مجد.

اخوان کاظمی، مسعود و پروانه عزیزی، ۱۳۸۸، «دیپلماسی عمومی و الگوی اسلامی آن»، رسانه، ش ۸۰، ص ۲۱-۵.

آلادپوش، علی و علیرضا توتونچیان، ۱۳۷۲، *دیپلمات و دیپلماسی*، تهران، وزارت امور خارجه.

برنز، اریک، ۱۳۸۲، *میشل فوکو*، ترجمه بابک احمدی، تهران، ماهی.

بشیر، حسن، ۱۳۹۵، *دیپلماسی گفتگویی: تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

پورشاقی، شهره، ۱۳۸۵، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، راه دانایی.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غررالحکم و درر الکلم*، قم، دار الکتب الاسلامی.

جعفری، محمدتقی، ۱۳۸۷، *بن‌بست امروز بشر*، تهران، پیام آزادی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۴، *حدیث ولایت (نرم‌افزار)*، تهران، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی.

رجایی، فرهنگ، ۱۳۸۲، *مشکله هویت ایرانیان امروز: ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ*، تهران، نشر نی.

زرشناس، شهریار، ۱۳۷۱، *فرهنگ، سیاست، فلسفه*، تهران، برگ.

شرفی، محمدرضا، ۱۳۸۵، *جوان و بحران هویت*، چ چهارم، تهران، سروش.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.

طلوعی، محمود، ۱۳۸۵، *فرهنگ جامع سیاسی*، تهران، علم.

عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ عمیده*، تدوین فرهاد قربان‌زاده، تهران، اشجع.

فتاحی اردکانی، حسین و دیگران، ۱۳۹۷، «تحلیل مفهوم قدرت و منابع تشکیل دهنده آن از دیدگاه جوزف نای»، *مطالعات قدرت*

نرم، سال هشتم، ش ۱۸، ص ۱۳۰-۱۵۲.

قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و دیگران، ۱۳۹۰، «قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن»، *روابط خارجی*، سال سوم،

ش ۱۴، ص ۱۲۵-۱۵۰.

قوام، سیدعلی، ۱۳۷۲، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران، سمت.

گریفیتس، مارتین، ۱۳۸۸، *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.

گل‌محمدی، احمد، ۱۳۸۱، *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت*، تهران، نشر نی.

لاکلاو، ارنستو و شانتال موفه، ۱۳۹۷، *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی (به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال)*، ترجمه محمد

رضایی، تهران، ثالث.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۴، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ پنجم، قم، دارالتحذیر.

محمدی خراسانی، علی، ۱۳۹۶، *شرح کفایة الاصول*، قم، الامام الحسن بن علی.

محمدی، منوچهر، ۱۳۸۶، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ اصول و مسائل*، تهران، دادگستر.

مسعودنیا، حسین، ۱۳۸۹، «جهانی‌شدن و ادیان توحیدی: فرصت‌ها و چالش‌ها»، *راهبرد*، سال نوزدهم، ش ۵۵، ص ۲۲۲-۲۴۳.

معین، محمد، ۱۳۸۱، *فرهنگ فارسی معین*، تصحیح عزیزالله علیزاده، تهران، کتاب راه نو.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

میلسن، ژان و دیگران، ۱۳۸۸، *دیپلماسی عمومی نوین، قدرت نرم در روابط بین‌الملل*، ترجمه رضا کلهر و سیدمحمسن روحانی، تهران،

دانشگاه امام صادق علیه السلام.

نانسی، انسو و فیلیپ ام تیلور، ۱۳۹۱، *کتاب مرجع دیپلماسی عمومی*، ترجمه روح‌الله طالبی آرانی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

نای، جوزف، ۱۳۹۲، *آینده قدرت*، ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشر نی.

هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۸، *برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی*، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- Babcock Gove, Philip, 1981, *Webster's Third New International Dictionary*, U.S.A: G. & C. Merriam Co.
- Berridge, G.R., 2002, *Diplomacy, Theory and Practice*, London, Palgrave.
- Bigler, Gene, 2005, "Advancing public Diplomacy: One Advocate ArA time", *Finaxial time. Delivered at the Ypro Public Diplomacy Roundtable*, 28 July 2005.
- Cull, N. J., 2010, "Speeding the Strange Death of American Public Diplomacy: The George H. W. Bush Administration and the U.S. Information Agency", *Diplomatic History*, N. 34 (1), p. 47–69.
- , 2003, *Propaganda and Mass Persuasion: A Historical Encyclopedia- 1500 to the Present*, California, ABC-CLIO E-Books.
- Encyclopedia Britannica*, 2019, "public diplomacy Definition, Types, Examples, & Propaganda", Retrieved February 22.
- Goldberger, Marmin, 1995, *Research- Doctorate Programs*, Washington. D.C, National Academy Press.
- Kohut, A, and B. Stokes, 2006, *America against the world. How we are different and why we are disliked*, New York, Henry Holt.
- Nye, J. S., 2004, *Soft Power: the Means to success in World Politics*, New York, Public Affairs.
- , 2011, *The Future of Power*, New York, Public Affairs.
- Vuving, Alexander L., 2004, "How Soft Power Works", "A paper presented at the panel Soft Power and Smart Power", *American Political Science Association annual meeting*, Toronto, Available, www.apcss.org.